



### يك اذان نه چندان رسمي

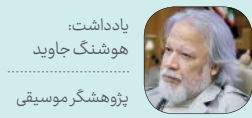
مهدي يغمایي را با برنامه شب‌كوك شبكه نسيم به خاطر می‌آوريم. او يكي از خواننده‌هايي است كه اذان گفتن را تجربه كرده است، البته نه چندان رسمي؛ فيلم کوتاهی از او می‌توان در اينترنت پيدا كرد كه در حال اذان گفتن است، اما احتمالا يغمایي بارها از صدایش برای اذان گفتن بهره گرفته باشد، چون در يك خانواده مذهبي در اصفهان متولد شده و پدرش مداح است.



### اذان‌گویی سرلك برای مومنان جهان

به جزيکی دو سال اخير، دست‌كم سالي دو يا سه آلبوم از سينا سرلك منتشر شده. چنين هنرمند پرکاری است، ولی هنوز هم خیلی‌ها او را با سريال شهرزاد و دو قطعه «كجایی» و «افسار» به ياد می‌آورند. سرلك هم از آن دسته خوانندگانی است كه اذان گفتن را تجربه كرده. او مهر ماه سال گذشته اذانش را در يك قطعه صوتي منتشر و آن را به مومنان جهان تقديم كرد.

## پرچم موسیقایی جهان اسلام



يادداشت:

هوشنگ جاويد

پژوهشگر موسيقي

اذان در نگاه موسيقايي، به نظر من می‌تواند به‌عنوان پرچم صوتي جهان اسلام تعريف شود، چون جهت خبر رساندن به هم‌انديشان برای انجام نيایش و نمايش وحدت عمل است، ضمن اين‌كه می‌توان آن را شاخه‌ای از موسيقي خبری «آيينی مذهبی» ايران در نظر گرفت.

هنگامي كه به شروع به‌شروع قرن جديد شمسي می‌رسيم، با نگرش به دگرگونی‌های نظام اجتماعی و مقرر شدن شناسنامه‌دارشدن الزامی افراد، می‌فهميم كه به سبب اهميت كار موزنان، تمامی خانواده‌هایی كه در اين امر كوشش داشته‌اند، با نام خانوادگی موزن، موزنی، اذانی، موزن‌زاده و امثال آن شناسنامه گرفته‌اند.

اين‌كه بدانيم چقدر موزنی در كار هنرمندان موسيقي مهم بوده، همين بس كه اشاره كنم در دوره قاجار بسياری از خوانندگان آواز ايرانی موزن پرقدرتی بوده‌اند، مانند: سيد حسين عندليب اصفهانی كه موزن

مسجد سپهسالار (مطهری كنونی) بود، حاج موزن تفرشي پدر حسن علی‌خان نكيسای تفرشي كه موزن عهد محمدعلی شاه قاجار بوده، سيد عبدالرحيم اصفهانی كه استاد جناب دماوندی بوده در اصفهان، قربان‌خان قزوینی معروف به «قربان شاهي» موزن دوره مظفرالدین شاه و نیز استاد ابوالحسن اقبال آذر كه در زمان محمدعلی‌شاه قاجار خوانندگی می‌كرد و صفحه‌های بسياری پركرده بود. او به تهران دعوت شد و رسماً خوانندگی در تكيه دولت را به‌عهده گرفت و در طول ماه مبارك رمضان با صدای شش‌دانگ خود از گلدسته‌های مسجد سپهسالار (مطهری كنونی) چنان موزنی كرد كه همه تهرانی‌ها را به حيرت واداشت. اينجا بايد توجه كرد به اين نكته كه در آن زمان بلندگویی در كار نبوده و قدرت فركانس صدای ابوالحسن اقبال آذر به حدی بوده كه در فضای تهران می‌پيچيده است! در نيمه قرن حاضر به استاد تاج اصفهانی می‌توان اشاره كرد و بعد مهندس استاد عطاالدین اميدوار كه فن آواز را نزد سلیمان امير قاسمی فراگرفته و موزنی چيره‌دست كه در دستگاه نوا، همايون و چهارگاه نیز اذان خوانده است.

## سفر موسیقی و اذان در تاريخ

وضو گرفتن و مناجات‌های تشيع تربيت شدند. مسلمان اين آداب قبل از آن فقط در بين علويان ايران رايج بود. اين دوره بيزي به نام موسيقي رسمي و كلاسيك در ايران وجود نداشت و فقط موسيقي نواحی در مناطقی جريان داشت. پس می‌توان نتيجه گرفت لحن‌ها مشابه هم به افراد محلی ديكنه می‌شد.

**اواخر صفويه:** در اين دوره بود كه كم‌كم تعزیه‌خوانی از سنت شبیه‌خوانی ايرانی به وجود آمد و در دوره قاجار به اوج شكوفایی رسيد و اماكنی برای اين آيين مجهز شد. شاهان قاجار و به خصوص ناصرالدین شاه در تعزیه‌خوانی شركت می‌كردند و هزينه‌های قابل ملاحظه‌ای برای رواج آن متقبل می‌شدند.

**دوره قاجار:** لحن‌های قرائت از دوران قاجار به مناطق مختلف ديكنه شد، چون هنرمندان دوره قاجاريه و به خصوص خانواده فراهانی پایه‌گذار موسيقي رديف و دستگاهی بودند و اساتيد موسيقي بر اساس نوع حسن اشعار تعزیه‌گوشه‌های مشخصی را در نظر می‌گرفتند و اجرا می‌كردند. اين اجراها در شهرهای مختلف كشور به نوعی كپی می‌شدند. لحن‌ها در آداب دیگری مثل چاوش خوانی، مداحی، پامنبری، سحری خوانی و... هم استفاده می‌شدند و هنوز كه هنوز است چاوش خوانی و تعزیه در اكثر

مناطق ايران با لحن‌های مشابه اجرا می‌شود.

**دوره پهلوی:** اجراها بر همين منوال پيش می‌رفت تا اين‌كه اذان گفتن با لحن موسيقيایی محلی از دوره‌ای مورد سرزنش قرار گرفت. با ورود رسانه‌های صوتی اذان‌های عربی كه خود نشأت گرفته از مقام‌های ايرانی بود به صورت كليشه‌ای به موزن‌ها تفهيم شد، ولی هنوز در برخی مناطق، اذان بر پایه لحن‌ها و مقام‌های منطقه‌ای اجرا می‌شد و البته می‌شود.

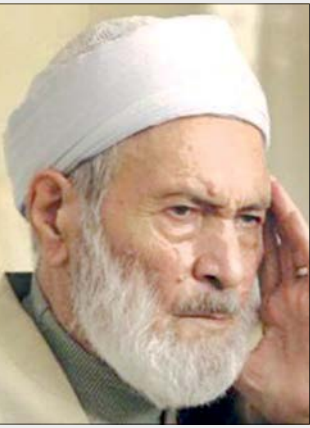
**عصر رسانه‌های جمعی:** نقش رسانه‌ها در هماهنگ كردن لحن‌ها و متاسفانه از بين رفتن بعضی از لحن‌های نواحی ايران بسيار پرننگ شد؛ اتفاقی كه از دوره پهلوی و با همه‌گير شدن راديو رخ داد.

مسلمان در آن دسته از نواحی كه ديرتر به دام راديو و در نهايت تلويزيون افتادند، آداب و رسوم و مقام‌های موسيقيایی اصیل تری را شاهد هستيم. در تهران و بعد از فراگیری راديو، موزنين و مناجات‌خوان‌هایی انتخاب شدند و صدای آنها برای تمام مناطق كه اين فناوری را داشتند، پخش می‌شد. اين صنعت آنقدر مهيج و دلچسپ بود كه هر چیزی از آن بيرون می‌آمد، افراد محلی تقليد می‌كردند. هنوز هم راديو و تلويزيون بيشترين سهم را در تغيير آداب و رسوم مناطق مختلف بازی می‌كنند اما با اين حال برخی از آداب و رسوم و لحن‌ها چنان قوی

و محكم در جان و روان افراد بومی جای داشت كه دچار اين دستپاچگی فرهنگی نشدند و آنها را حفظ كرده‌اند. برای مثال اذان موزن‌زاده‌كه البته در موسيقي رديفی ايران و گوشه روح‌الارواح بيات زند، ريشه دارد، نه تنها استقلال و هويت خود را حفظ كرد، بلكه جايگزين اذان‌های عربی رايج شد و البته اين موارد را بايد شكرگزار همان رسانه‌های صوتی و تصویری باشيم و همين‌طور ساير آداب و رسوم مذهبی مثل عزاداری بوشهر، زنجان، يزد و... كه به عنوان يك برند دارای هويت مستقل در كشور مطرح شدند. جالب اين‌كه قسمتی از آداب اين مراسم مثل سنج و دمام بوشهر، سفيد مهره‌نوازی و نوبت‌نوازی كرمان و كرناوازی گيلان كاملاً سازی است بدون اين‌كه متن خاصی را به همراه داشته باشد.

**جمع‌بندي:** بر اساس نگاه اتنوموزيكولوگ‌ها (موسيقي‌شناس‌های قومی) و نیز با استناد به نقش كليدی انسان به عنوان عامل اساسی در خلق و اجرای موسيقي، هر تغيير و تحولی خارج از تعصب قابل احترام و بررسی است و مهم‌ترين مساله، قبول تغييرات و محترم شمردن آن محسوب می‌شود. حتی اگر اين تغييرات در اثر هجمه فرهنگی و رسانه‌ای و خارج از خود حوزه قابل بررسی، اتفاق افتاده باشد.

### ماندگارترین اذان ايرانی

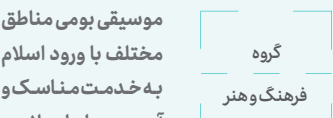


**موزن:** رحيم موزن‌زاده

**تاريخ ضبط:** سال ۱۳۳۴

رحيم موزن‌زاده اردبیلی متولد سال ۱۳۰۴ است و از معروف‌ترين موزن‌های ايرانی كه اجرايی ملكوتی از اذان ارائه كرده بود. اين اذان معروف در آواز بيات ترك و در گوشه «روح الارواح» اقامه شده است. اذان مشهور موزن‌زاده در راديو ضبط شد و در سال ۱۳۸۷ به عنوان اثر ملی در حوزه ميراث معنوی كشور ثبت شده است. رحيم موزن‌زاده درباره رمز ماندگاری و زیبایی اذانش گفته است: «برای اين‌كه اين اذان را با دهان روزه گفتم تا قربه الی... باشد. اين يك كار مادی نبود، بلكه معنوی بود.»

اذان‌گویی در خانواده موزن‌زاده يك ميراث ۱۵۰ ساله بود. حتی پيش از آن‌كه در ايران شناسنامه‌ای صادر شود، پدرش را با عنوان مؤذن می‌شناختند و با همين عنوان خطابش می‌كردند. اين شد كه



موسيقي بومی مناطق

مختلف با ورود اسلام

به خدمت مناسك و

آيين‌های اسلامی

درآمد و خیلی زود در

هر قوم و منطقه‌ای، لحن‌هایی برای قرائت قرآن و اذان گفتن به وجود آمد كه امروز گنجينه ارزشمندی از داشته‌های ملی و معنوی ماست. حدود ۴۰ نوع لحن برای قرائت قرآن و اذان در ايران شناسایی شده كه همه آنها برآمده از سبك زندگی مردم فلات ايران بوده‌اند و حالا برخی از آنها رو به فراموشی هستند.

در اين دو صفحه به لحن‌های ايرانی در اذان‌گویی پرداخته‌ايم و خدمتی كه موسيقي ايرانی به اذان و مناسك اسلامی كرده است.

در همين مجموعه گفت‌وگویی می‌خوانيد درباره لحن‌های متنوع اذان‌گویی در مناطق مختلف ايران. دو پژوهشگر موسيقي بومی و محلی ايرانی روايتی از آيين‌ها و آوازهای دينی و مذهبی در ايران ديروز و امروز ارائه كرده‌اند.

همچنين تعدادی از مهم‌ترين اذان‌هایی كه در فواصل موسيقي ايرانی خوانده شده‌اند و موزن اين اذان‌ها را در پايين صفحه معرفی كرده‌ايم. بدون ترديد همه ما موزن‌های خوش صدایی را می‌شناسيم كه با صدای ملكوتی شان به اوقات شرعی رنگ معنويت زده‌اند و روحمان را با اذان پيوند داده‌اند؛ کسانی چون حسن رضائیان، حسين علی شريف، محمد حسين سيزعلی، كريم منصوروی، عباس سليمی، محمدحسين سعیديان و نیز موزن‌های بين‌المللی از جمله راغب مصطفی غلوش، عبيدالمعتم طوخی و محمد سيدنظاوی كه اين روزها از راديو و تلويزيون صوتشان را می‌شنويم.

### اذان زیرزمینی ايرانی



**موزن:** حسين صبحدل

**تاريخ ضبط:** سال ۱۳۵۳

حسين صبحدل بايد كفكاش می‌شد، اما شغل پدری را به عشق هنر موسيقي رها كرد و آواز سنتی ايرانی را آموخت. او به موسيقي‌آوازی، دستگاهی و رديف موسيقي سنتی تسلط داشت و اذان معروفش از جمله اذان‌هایی است كه در بيات ترك اقامه شده است.

بزرگ‌ترها به خاطر دارند كه بهترين برنامه‌های ماه رمضان و سحرگاهی دهه ۶۰ و ۷۰ راديو و تلويزيون به نويسندگی و تهيه‌كندگی صبحدل تهيه می‌شدند و نیز البته در كنار تمام اين فعاليت‌ها، صبحدل اواسط دهه ۵۰ و در دوره پهلوی اذانی اقامه كرده بود كه در محافل و مجالس پخش می‌شد چون در آن دوره راديو و تلويزيون اذان پخش نمی‌كردند. همين مساله باعث شده كه اذان صبحدل را ملقب كنند به اذان انقلاب. گویا شهيد آيت... مطهری وصيت كرده بود كه جنازه‌اش را با صدای اذان صبحدل تشييع كنند و اين اذان يك بار هم

**موزن:** محمد فلاحي

معروف به جناب

دماوندی

**تاريخ ضبط:** سال ۱۲۹۱

اين اذان روی صفحه گرامافون ضبط شده است. فلاحي يا همان دماوندی كه سال ۱۲۴۶ به دنيا آمد، خواننده رديف مجلسی‌واز منيرخوانان عصر ناصری بود كه تا اوايل دوره پهلوی دوم يعنی تا سال ۱۳۵۲ زندگی كرد و در سن ۱۰۶ سالگی دارفانی را وداع گفت.

محمد فلاحي يا همان جناب دماوندی، رديف آوازی و فن خوانندگی را از آقاجعفر لاهیجی ياد گرفته بود. از ۳۰ سال اول زندگی او اطلاعات زیادی در دست نيست، اما سال‌های بعد زندگی او مقارن بود با دوره رونق موسيقي ايرانی و رواج رديف دستگاهی. در همان سال‌ها بود كه گرامافون به ايران وارد شد و در اوایل دوره ضبط صفحات ايرانی يعنی از ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۳ آثاری از دماوندی در تهران، تفليس،



لندن و پاریس ضبط شدند. از بين تمام آثار ضبط‌شده از دماوندی صفحه اذان و مناجات او از بقيه مشهورتر است. او اذان را در فواصل بيات ترك اقامه كرده بود و البته خودش به سبك خراسانی تسلط داشت.

او در يك مصاحبه راديویی كه ۱۴ دی ۱۳۵۰ انجام شد، گفته بود كه اذان‌گویی را از سيدجعفر لاهیجی و رديف آوازی را از سيدعبدالرحيم اصفهانی در اصفهان آموخته است.